

فضیلت انگاری عفاف و حجاب با تکیه بر دیدگاه فارابی

زینب برخوردار^{*}

چکیده

فارابی شهروندانی را که کارهای نیک انجام می‌دهند، در سه گروه طبقه‌بندی می‌کند: ضابطاً لافسه، عقیف و فاضل. نحوه صدور فعل خیر از این سه گروه متفاوت است: التزام درونی، التزام قانونی یا دینی و خودانگیختگی. هرچند از نظر وی باید به ضابط لافسه پاداش بیشتری داده شود ولی تربیت شهروندان فاضل که فعل خیر از آنها به سهولت و از روی میل صادر می‌شود برای رسیدن به جامعه‌ای سعادت‌مند ضروری است. خیر بودن عفاف و حجاب به معنای حق بودن آن در دو حوزه درون شخصی و برون شخصی اثبات و به تبع آن انجام فعل خیر به نحوی که از فرد فاضل سرمی‌زند، به عنوان بهترین الگو برای ترویج عفاف و حجاب مطرح می‌شود و دیدگاه رقیب یعنی التزام به عفاف و حجاب از سوی بانوان را تنها به علت سنت و یا دین برخواسته از دیدگاه‌های غربی است به چالش کشیده می‌شود.

واژگان کلیدی

عفاف، حجاب، پوشش، فاضل، خیر، فضیلت، حق، فارابی.

طرح مسئله

از چالش‌هایی که ناظر به عفاف و پوشش بانوان در مغرب‌زمین طرح شد و به صورت شبهه رواج یافت و تأثیرات عملی از خود بر جای نهاد این مسئله بود که التزام به عفاف و پوشش از سوی بانوان برخاسته از محدودیت‌های خاصی است که از سوی ادیان و یا نظام‌های حاکم به ظهور رسیده است. در راستای جنبش‌های آزادی‌خواهانه زنان در طول تاریخ شکل‌گیری آن (نک: هام، مگی، فرهنگ

barkhordariz@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۲۴

*. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۵

نظریه های فمینیستی) و احقاق حقوق پایمال شده ایشان، از جمله موضوعاتی که مورد توجه قرار گرفت رعایت عفاف و به تبع آن پوشش بانوان بود. الزام عقیف بودن و پوشیدگی به عنوان یکی از شاخص های تمایز جنسیتی و تبعیض ناشی از آن مطرح شد. (نک: میشل، آندره، پیکار با تبعیض جنسی) براساس این رویکرد، جامعه مردسالار در پی ارائه تعاریف و تصویب قوانین به نفع مردان در طول تاریخ، آزادی های جنسی برای مردان را به روش های مختلف و در قالب های مختلف توجیه کرده و به رسمیت شناخته است و در جهت اجحاف هرچه بیشتر به زنان و کنترل همسران و دختران، مبحث عفاف را در جوامع مطرح نموده است. در راستای دستیابی به این هدف، پوشیدگی بانوان و پرهیز از اختلاط زنان و مردان و سایر محدودیت های که از این نظام برخاسته، در جوامع نیکو شمرده شده است، نگاهی که دین اسلام آن را برنمی تابد و مقوله پوشش را مبتنی بر حق خداوند در درجه اول و حق انسان آزادپیشه مورد اهتمام قرار می دهد.

در دیدگاه یادشده، الزام پوشش موجب سلب حق آزادی که یک حق طبیعی بشر است بوده و نوعی توهین به حیثیت انسانی زن به شمار می رود.

در این نوشتار برآنیم به بررسی اینکه «آیا ترویج عفاف و حجاب منافی حقوق افراد است یا خیر؟» بپردازیم و سپس روش ترویج خیر در جامعه را بر مبنای دیدگاه فارابی مورد توجه قرار دهیم.

بر مبنای اخلاق معطوف به حقوق^۱ که در آموزه های اسلامی ریشه دارد (رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام) و مورد توجه بسیاری از اندیشمندان حوزه اخلاق کاربردی^۲ قرار گرفته حق و فضیلت بودن عفاف و پوشش را تبیین خواهیم کرد، این مهم با توجه به دیدگاه فارابی سه گونه رهیافت متمایز خواهد شد.

از فواید پژوهش حاضر امکان ترسیم راهبرد ترویج عفاف و حجاب در گروه های مختلف سنی به ویژه در مراکز آموزشی و تربیتی است؛ بر این اساس ابتدا به تبیین دیدگاه فارابی پرداخته و براساس آن رهیافت اخلاقی به عفاف و پوشش (مدعای پژوهش) را تبیین خواهیم نمود.

تمایز منشأ صدور رفتارهای اخلاقی نزد فارابی

فارابی در فصل چهاردهم فصول منتزعه، به بیان تمایز رفتارهای اخلاقی بین «فاضل» و «ضابط لفسه» و «عقیف» و «ضابط لفسه» از حیث نحوه صدور می پردازد. وی بین رفتارهای اخلاقی سه گروه «فاضل»، «عقیف» و «ضابط لفسه» تفاوت قائل می شود.^۳ افراد در هر سه گروه شهروندانی هستند که افعال و اعمال نیک و خیر از آنها سر می زند ولی انگیزه ها و عوامل صدور این افعال در آنها متفاوت است.

1. Right Oriented Ethics.
2. Applied Ethics.

۳. در برخی ترجمه ها از سه گانه بودن این تقسیم غفلت شده است. (ر.ک: فارابی، ۱۹۹۶: ۱۹)

در گزارش دیدگاه فارابی می‌توان چنین گفت که بین کسی که نفس خویش را مهار می‌کند و فرد فاضل تفاوت است. چراکه فرد خویشتن‌دار در صورتی کارهای نیک انجام می‌دهد که به اعمال بد، میل و رغبت دارد و فعل او مخالف خواسته اش است و با فعل خود بر خلاف آنچه نفسش او را به آن دعوت می‌کند، عمل می‌نماید. وی از فعل خود در رنج و مشقت است. اما فاضل به دنبال آنچه نفسش او را به آن ترغیب می‌کند، کار خیر را انجام می‌دهد. به عبارت دیگر فاضل کارهای نیک را در حالی انجام می‌دهد که به آن مشتاق است و با انجام آن نه تنها اذیت نمی‌شود بلکه لذت نیز می‌برد. تفاوت این دو مانند تفاوت فردی است که بر دردی که دارد، صبر می‌کند و فردی که اصلاً دردی را حس نمی‌کند. از سوی دیگر بین فرد عقیف و فرد خویشتن‌دار هم تفاوت هست. عقیف کسی است که آنچه را شرع و سنت واجب کرده انجام می‌دهد و علاقه‌ای به انجام خلاف آن ندارد. اما خویشتن‌دار به خلاف شرع و سنت نیز علاقه و میل مفرط دارد، ولی خود را نگه می‌دارد. فارابی در ادامه بیان می‌کند که در بسیاری از موارد خویشتن‌دار به جای فاضل قرار می‌گیرد.^۱

تحلیل سخن فارابی

برای تحلیل سخن فارابی در این مقام، تبیین برخی مفاهیم و تعاریف ضروری است.

نخست آنکه «مقسم سه گونه انگاری از دیدگاه فارابی چیست؟» با بررسی آراء وی در می‌یابیم که مقسم شهروندی است که فاعل کارهای نیک است و اعمال خلاف اخلاق انجام نمی‌دهد. سلامت جامعه از دیدگاه فارابی در گرو وجود چنین شهروندانی است. (فارابی، ۱۹۹۶: ۳۴)

مطلب دیگر، بررسی چپستی «فضیلت» در برابر «رذیلت» از نگاه وی است. از نظر فارابی فضیلت هیئت نفسانی است که در فردی، بر اثر تمرین و ممارست، پدید می‌آید. هیئت نفسانی به وجود آمده منشأ فعل خیر است؛ لذا «فضیلت» صفت «فعل خیر» نیست بلکه صفت حالتی از نفس است که منشأ فعل خیر می‌شود. (همان: ۲۴) صدور فعل «بلا رویه» و «بسپهوله» که در آثار دیگر اندیشمندان مشاهده

۱. بین الضابط لنفسه و الفاضل فرق. و ذلك أن الضابط لنفسه، و إن كان يفعل [الأفعال الفاضله، فائه يفعل] الخیرات و هو بهوی أفعال [الشر و يتشوقه] و يجاذب هواه و يخالف بفعله ما تنهضه إليه هيئته و شهوته، و يفعل الخیرات و هو متأدّ بفعلها. و الفاضل يتبع بفعله ما تنهضه إليه [هيئته و شهوته]، و يعمل الخیرات و هو بهواها و يشتهاها [و لا يتأدّى بها بل يستلذها]. و ذلك مثل الفرق بين الصبور [على الألم] الشديد الذي يجده، و الذي لا يتألم و لا يحسّ بالألم. و كذلك العقیف و الضابط لنفسه. فان العقیف إنما يفعل ما توجهه السنّه في المأكول و المشروب و المنكوح من غير أن يكون له شهوه و شوق إلى ما [هو زائد على] ما توجهه السنّه. و الضابط لنفسه شهواته في هذه الأشياء / مفرطه و على غير ما توجهه السنّه، و يفعل أفعال السنّه و شهوته ضدّها؛ [غير أن] الضابط لنفسه يقوم مقام الفاضل في كثير من الأمور. (همان: ۳۵ - ۳۴)

می‌شود نیز ناظر بر هیأت نفسانی است که فعل از آن بدون تأمل و به سادگی صادر می‌شود. (آثاری مانند: لوگری، ۱۳۷۳: ۶۳؛ غزالی، ۱۴۱۶: ۱۴۶؛ بهمنیار، ۱۳۷۵: ۵۴۶؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۹/ ۲۵۲)

در جمع‌بندی کلی می‌توان مشخصات «فضیلت» را این‌گونه برشمرد:

۱. صفتی برای هیئت نفسانی است.
 ۲. فرد با آن هیئت متولد نمی‌شود بلکه با ممارست و تمرین به چنین هیئتی دست پیدا می‌کند.
 ۳. فرد دارای فضیلت (فاضل) انگیزه درونی و شوق به انجام فعل خیر را دارد.
 ۴. صدور فعل خیر از سوی فاضل با لذت برای وی همراه است.
- فارابی در اینجا ملاک خیر را بیان نمی‌کند، اما در جای دیگر و آثار دیگرش خیر را به فعلی که انسان را به سعادت می‌رساند تعریف کرده است؛ (فارابی، ۱۴۰۵: ۴۶؛ فارابی، ۱۹۹۶: ۹۷) دیدگاهی که ارسطو پیش از وی بیان کرده است. (ارسطو، ۱۳۴۳: ۱/ ۲۵)
- پس از مقدماتی که گذشت می‌توان سخن فارابی در طبقه‌بندی انجام دهندگان افعال خیر را چنین بیان کرد:

۱. **صدور فعل با الزام درونی؛** افرادی که از درون میل به انجام افعال خیر ندارند و خوی تبعیت از سنت و قوانین شرعی نیز در آنها به وجود نیامده است هرچند به آن توجه دارند، اما به مصالحی با میل درونی خود مخالفت می‌کنند. به عبارت دیگر در مبارزه‌ای با امیال درونی خود، به سختی افعال خیر را انجام می‌دهند. فارابی این گروه را «ضابط لفسه» می‌نامد.
 ۲. **صدور فعل با الزام بیرونی؛** افرادی که از الزامی قانونی یا امری که سنت و شرع آن را ایجاب کرده است، تبعیت می‌کنند. علت صدور افعال خیر از ایشان خو گرفتن به تبعیت از سنت و قوانین است. آنها محدودیت‌هایی را که قوانین و سنت ایجاب کرده می‌پذیرند و میل به بیش از آن و خلاف آن را نیز درون خود از بین برده‌اند. فارابی این دسته را «عقیف» نام می‌نهد.
 ۳. **صدور فعل بدون الزام؛** دسته سومی که فارابی از آنها نام می‌برد افرادی هستند که بدون وجود زحمت و مشقت و از روی رغبت و اشتیاق به فعل خیر، آن را انجام می‌دهند. صدور فعل خیر از ایشان با لذت و شوق برایشان همراه است. فارابی این گروه را «فاضل» می‌نامد.
- وی در ادامه به تفاوت‌ها و تمایزهایی بین سه گروه بالا اشاره می‌کند. از نظر او اجر و پاداشی که برای «ضابط لفسه» باید در نظر گرفته شود از دو گروه دیگر بیشتر است. «ضابط لفسه» بودن برای شهروندان عادی خوب است، اما رهبران و رؤسای جامعه باید «فاضل» باشند تا در تصمیم‌گیری‌های کلان برای مردم، صدور فعل خیر از آنها قابل پیش‌بینی باشد. (فارابی، ۱۹۹۶: فصل ۱۵)

راهبرد ترویج عفاف و حجاب برمبنای دیدگاه فارابی

بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مسؤول در جامعه امروزی در جستجوی تبیین و یافتن راهکار برای ترویج عفاف و حجاب در جامعه هستند. بنابر رأی فارابی سه راهبرد را می‌توان با سه نتیجه متمایز ولی مرتبط، ترسیم کرد:

۱. پایبندی به عفاف و حجاب با خویشتنداری و ضبط نفس.

۲. پایبندی به عفاف و حجاب به عنوان تبعیت از آنچه واجب است.

۳. التزام به عفاف و حجاب به علت فضیلت بودن.

مانع جمع بودن سه راهبرد بالا و حتی ارتباط نظری و یا عملی آنها موضوع پژوهش حاضر نیست و جای دارد در پژوهشی مجزا به آن پرداخته شود. مسئله نوشتار حاضر آن است که مغرب‌زمینیان در راستای جنبش‌های آزادی خواهانه و احقاق حقوق زنان، التزام به عفاف و حجاب را تنها «رعایت آنچه شرع و قانون واجب کرده»، تلقی کردند. امری که به واسطه الزام و اجبار سنت و قوانین باید تبعیت شود. تلقی یادشده از عفاف و پوشش در غرب مخالف آزادی و استقلال افراد است. لذا عفاف و به تبع آن پوشش به عنوان امری ضد ارزش مطرود شد. مجبور ساختن زن به داشتن پوشش و عفاف با الزام بیرونی، بی‌اعتنایی به حق آزادی وی و اهانت به حیثیت انسانی لحاظ شد. بنابر عزت و کرامت انسانی و حق آزادی زن، از بین رفتن التزام بیرونی به عفاف و حجاب لازم است. (مطهری، ۱۳۸۵: ۱۹)

در موج رادیکال فمینیسم (تفاوت‌های موج‌های فمینیستی را نک: فریدمن، جین، فمینیسم) که فراتر از برابری مردان و زنان داعیه برتری زنان بر مردان را داشت، بحث پوشش به عنوان نمادی از استثمار زنان توسط مردان لحاظ شد. از نظر این منطق، پوشش زن عبارت است از زندانی شدن زن به دست مرد، به منظور بهره‌کشی اقتصادی بیشتر (همان: ۵۴) در این دیدگاه پوشش نه تنها یک فضیلت نیست بلکه به علت نقض حق آزادی زنان، ضد فضیلت محسوب می‌شود. لذا در جوامعی که در صدد احیای اخلاق هستند باید کنار گذاشته شود. اگر در جوامعی بر اثر تسلط فرهنگ‌های غلط، ناپوشیدگی و آزادی در مسائل جنسی قبیح دانسته می‌شود، برای از بین بردن قبح باید تلاش کرد. در چنین شرایطی بر اثر تغییر نگرش، ناراحتی و فشاری که از سوی جوامع بر اثر بی‌عفتی یا ناپوشیدگی زنان بر ایشان وارد می‌شود از بین خواهد رفت. اگر فرهنگ تغییر کند و چنین زنانی مورد تشویق و حمایت قرار گیرند احساس خوشبختی خواهند کرد؛ به این معنا که میل به عفاف و پوشش تمایلی فطری نیست و از الزامات بیرونی جوامع است. (شلیت، ۱۳۸۹: ۴۳)

در این نوشته با اثبات فضیلت بودن عفاف و پوشش، راهبرد ترویج عفاف و حجاب با رویکرد تربیت

افراد صاحب فضیلت تبیین می‌شود. برای دستیابی به هدف ذکر شده و رد این مدعا که «الزام و اجبار بیرونی تنها دلیل رعایت عفاف و پوشش از سوی بانوان است»، پرداختن به مطالبی از باب مقدمه لازم است.

«خیر» بودن عفاف و پوشش

فعل «خیر» بنابر قول فارابی راهی است که فرد را به سعادت می‌رساند. بررسی این مسئله که «آیا رعایت عفاف و حجاب انجام فعل خیر است؟» نقش کلیدی دارد. پاسخ به این پرسش، بحث را درگیر چالش تاریخی ملاک خیر و شر می‌کند. در میان انبوه پاسخ‌هایی که به مسئله «خیر چیست؟» داده شده است، «حق بودن امری به معنای خیر بودن آن» را برمی‌گزینیم. به دیگر سخن آنچه «حق» باشد «خیر» است. انتخاب این ملاک بر سه علت استوار است:

۱. آنچه در غرب به‌وقوع پیوسته، موهم تعارض عفاف و حجاب با حقوق فردی است. اثبات حق بودن عفاف و حجاب و خیر بودن آن در همین راستا راه را برای چالش با تعارض یادشده می‌گشاید. در صورت خیر و حق بودن عفاف و حجاب، این تعارض تاریخی باطل خواهد بود.

۲. در دهه اخیر متخصصان اخلاق کاربردی در مقیاس جهانی بر رعایت حقوق به منزله ملاک عملیاتی تأکید دارند^۱ که برای ارائه ملاک عملیاتی در ترویج عفاف و حجاب اثبات حق بودن آن راهگشاست.

۳. در آموزه‌های اسلامی پاسداشت حقوق مقیاسی مهم در بازشناخت بایدها و نبایدهاست. پایبندی به حقوق طرف ارتباط، ملاک حداقلی و عملیاتی برای تمایز رفتار اخلاقی از رفتار غیراخلاقی است. در رساله الحقوق امام سجاد^{علیه السلام} رعایت حقوق تمام عناصر محیطی (خدا، فرد، سایر اشخاص و ...) ترسیم و تبیین می‌شود. در این منشور ارزشمند، ۳۸ مورد از حقوقی که فرد در تعامل و ارتباط با دیگران، ملزم به رعایت آن است و ۸ مورد از حقوق فرد در قبال خویشتن، برشمرده می‌شود. (فلاح، قراملکی، ۱۳۸۹: ۱۷۴ - ۱۴۹)

مطلب یادشده در دو بازه مجزای حقوق فرد قابل بررسی است: رفتار ارتباط درون شخصی و رفتار ارتباط برون شخصی.

یک. عفاف و حجاب و رفتار ارتباطی درون شخصی
ارتباط درون شخصی ناظر به حقوقی است که فرد در قبال خود باید آن را رعایت کند. در مغرب زمین التزام بیرونی به رعایت عفاف و حجاب از سوی بانوان، تضییع حقوق فردی به حساب آمد. در جنبش‌های اخیر در مغرب زمین شواهدی خلاف مدعای پیشین مطرح شده است. به علت حاکم شدن برخی از

۱. به عنوان مثال در اخلاق پزشکی بر حقوق بیمار و در اخلاق کسب و کار بر حقوق مصرف کننده تأکید شده است.

فرهنگ‌ها، بسیاری از زنان تحت تاثیر الزام و اجبار بیرونی به ترک عفاف و پوشش روی آورده‌اند. این مطلب نمونه‌ای بارز از تضييع حقوق بانوان است. به عبارت دیگر در استدلالی مشابه، داشتن پوشش در جهت عقیف ماندن از حقوق زنان بوده و تضييع حق افراد ضد فضیلت است؛ لذا ناپوشیدگی و به تبع آن بی‌عفتی ضدفضیلت خواهد بود. در این رویکرد که در پی بررسی‌های اجتماعی و تأملات روانشناختی شکل گرفته و پیش می‌رود، مواردی که بر اثر تحمیل دیدگاه بی‌عفتی و ناپوشیدگی منجر به تضييع حقوق زنان می‌شود به شرح زیر مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. عمل کردن برخلاف میل و سلیقه شخصی

در جوامعی که عفاف و پوشیدگی از مظاهر عقب‌افتادگی و دون‌شخصیت افراد به حساب آید، افرادی که بنا به میل شخصی و یا هر عامل دیگری تمایل به عفت داشته باشند و به عنوان لازمه عملی آن پوشش عقیفانه را برگزینند، تحت فشار روانی بالایی قرار خواهند گرفت. به عبارت دیگر در بسیاری از جوامع حق زنان برای داشتن پوشش دلخواه مورد تضييع قرار می‌گیرد.

حامیان این دیدگاه به بررسی‌های آماری و نظرسنجی‌های اجتماعی استناد می‌کنند. بر مبنای این مطالعات، فشارهای وارد شده از سوی هم‌سالان، رسانه‌ها و فرهنگ رایج بر نوجوانان موجب سلب حق انتخاب از زنان و دختران می‌شود. نتایج پژوهش‌هایی در این زمینه نشان می‌دهد درصد بالایی از دختران نوجوان برخلاف میل شخصی تن به برهنگی و یا بی‌عفتی می‌دهند. نظام‌های حاکم فرهنگی بر بسیاری از جوامع در رابطه با تصمیم‌گیری‌های آزادانه حتی در حیطه خانوادگی افراد بدون جهت‌گیری رفتار نمی‌کنند و محرک‌های محیطی دست افراد را برای تصمیم‌های آزاد می‌بندد. (زینس میستر، کارل، ۱۳۸۹: ۲)

در گزارشی که از سوی فعالین خویش‌تنداری جنسی^۱ در سال ۲۰۰۶ منتشر شده، درصد تحمیلی یا اختیاری بودن روابط جنسی دانش‌آموزان زیر هجده سال به تفکیک جنسی مورد بررسی قرار گرفت. جدول زیر نتایج بررسی را نشان می‌دهد.

درصد تحمیلی یا اختیاری بودن روابط جنسی، بر اساس گزارش دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر			
میزان اجبار	کل دانش‌آموزان	دانش‌آموزان پسر	دانش‌آموزان دختر
تحمیلی	۳/۵	۲/۲	۴/۶
تحت فشار	۱۳/۳	۴/۴	۲۱/۲
فشار از سوی شریک رابطه	۱	۰/۷	۱/۳

1. Sexual Abstinence.

بر طبق این بررسی نزدیک به یک‌سوم دختران زیر هجده سال تحت شرایط تحمیل شده از سوی محیط و فرهنگ به روابط جنسی و ملزومات آن تن می‌دهند. در گزارشی تکمیلی با عنوان «نوجوانان تحت فشار»، ۸۱ درصد از دخترانی که رابطه جنسی را تجربه کرده بودند، جامعه را در اطلاع رسانی ناصحیح و فرهنگ غلط را در الزام به ناپوشیدگی و بی‌عفتی مقصر دانسته و بیان کردند که به‌انتخاب و اختیار خود در روابط شرکت نکرده‌اند. این دختران در بیان عوامل، تأثیرهای محیط و همسالان و نگرانی از قضاوت‌های دوستانشان را از مهمترین عوامل رفتارهای جنسی خود برشمرده‌اند. آمار یادشده در مورد پسران به ۶۰ درصد کاهش می‌یابد. (مکداول، ۲۰۰۲: ۱۰ و ۱۴)

از سوی دیگر فشارهایی که در برخی جوامع از سوی خانواده‌ها بر زنان جوان و دختران وارد می‌شود، از نمونه‌های بارز تضییع حقوق بانوان برای پوشیدگی است. تصور رایج در بسیاری از خانواده‌ها به گونه‌ای تغییر یافته که اگر دختران خانواده میل به پوشش و یا اجتناب از روابط جنسی آزاد داشته باشند بیمار شمرده می‌شوند. (شلیت، ۱۳۸۹: ۳۵)

در سنین بالاتر زنان مجبورند با ارزش‌های القاشده و اولویت‌بندی شده که گاهی مورد قبول ایشان نیست زندگی کنند. ترس از دست‌دادن موقعیت‌های اجتماعی که به اجبار ارزش بالاتر به آن اختصاص یافته، مانع از عملکرد دلخواه زنان می‌شود. (آرمنتو، ۱۳۸۹: ۵۴)

۲. سرکوب احساسات زنانه و آسیب‌های آن

از دیگر موارد نادیده گرفتن حقوق طبیعی بانوان، سرکوب شدن احساسات زنانه و آسیب‌های روانی است که در پی آن گریبان‌گیر ایشان می‌شود. جو حاکم بر جامعه، زنان را وادار می‌کند تا مسئله عشق و روابط جنسی را از هم جدا کنند و حتی بدون وجود روابط عاطفی و بر خلاف میل خود به روابط جنسی تن دهند. (شلیت، ۱۳۸۹: ۱۰۶ - ۱۰۵ و ۱۰۹) در چنین شرایطی فشارهای فرهنگ و محیط برای روابط آزاد جنسی و ناپوشیدگی موجب تجربه کردن ترس، شکست، افسردگی و سرگردانی به‌ویژه در دختران و زنان می‌شود. (هاستنلر، ۱۹۹۶: ۲۷۶ - ۲۸۷)

منتقدین وضعیت رایج پوشش بانوان در غرب فشاری که بر زنان و دختران وارد می‌شود تا بدن خود را به جای حقیقی‌ترین بخش وجود خود تلقی و برای آن سرمایه‌گذاری کنند، از مهمترین عوامل کاهش عزت و اعتماد به نفس در زنان می‌دانند. (شلیت، ۱۳۸۹: ۱۶۴ - ۱۷۴) یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ۸۴ درصد دختران نوجوان اعتماد به نفس لازم برای مخالفت با روابط لیبرال جنسی را ندارند. (McDowell, 2002: 22)

۳. به خطر افتادن حقوق اولیه زنان

در راستای تحمیل فرهنگی ناپوشیدگی و بی‌عفتی حق حیات، حق سلامت و حق امنیت بسیاری از زنان به خطر می‌افتد.

بررسی‌های اجتماعی صورت گرفته توسط سازمان‌های حمایت از زنان و آمارهای منتشر شده از سوی ایشان وضعیت امنیت زنان در بسیاری از جوامع را بحرانی به تصویر می‌کشد.^۱ زنان در برقراری ارتباط جنسی حق نگران بودن از ابتلا به بیماری‌های مقاربتی را ندارند و در صورت بیان چنین مطالبی با واکنش بد افراد مواجه می‌شوند. (شلیت، ۱۳۸۹: ۱۰۶ - ۱۰۵ و ۱۰۹) از نظر بسیاری از منتقدین، ناپوشیدگی بانوان به هر علتی در جامعه‌ای که ارزشی برای زنان قائل نباشند صورت می‌گیرد. پوشش بانوان منجر به عطف توجه جامعه به باطن و ارزش‌های انسانی آنها و جلب احترام بیشتر است.

در راستای تهدید سلامت جسمی - روحی، امنیت و حق حیات زنان، برخی از گروه‌های فعال جامعه در جهت احقاق این حقوق طبیعی، خواستار ارائه آموزش‌هایی رسمی از سوی دولت شده‌اند. ایشان برای احقاق حق عفاف و پوشش به آموزش مهارت‌هایی به جوانان به ویژه دختران روی آورده‌اند. مهارت نه گفتن و مقاومت در برابر آنچه مورد قبولشان نیست از اشتراکات بسیاری از نویسندگان است.^۲ در جهت احقاق برخی از حقوق نام برده که به‌وسیله حامیان حقوق زنان طرح می‌شود، برخی از دولت‌ها به حمایت از دیدگاه‌های خویشتن‌دارانه پرداخته‌اند و بودجه‌هایی را برای این امور اختصاص داده‌اند. گذشته از انتقاداتی که بر جریان‌های عفاف‌گرای دینی در غرب وارد است، که موضوع تحقیق حاضر نیست، عملکرد دولت‌ها برای حمایت از حقوق زنان در موارد یادشده نیز مورد انتقادهای شدید قرار گرفته است. (مارکل، جویس، ۱۳۸۶: ۲۹ - ۳۱)

۴. محرومیت از خواسته‌ها در زندگی اجتماعی

علاقه بسیاری از زنان و دختران به تشکیل خانواده و داشتن همسر و فرزند، در جو ایجاد شده سرکوب و ناعاقلانه و یا دور از تجدد و تمدن شناخته می‌شود.

ترویج بی‌بندوباری و ترغیب به روابط آزاد جنسی، علاقه زنان به داشتن خانواده را با انواع تفاسیری چون عدم وجود لذت کافی در زندگی، عدم کفایت روابط جنسی موجود و وجود مشکلات روانی در فرد ارزیابی و سرکوب می‌کند. بنابر نظر بسیاری از منتقدین، بسیاری از زنان جوان تسلیم مدهای رایج

۱. نک: William J. Bennett, The index of leading cultural indicators American society.

۲. Wendy Keller The Cult of the Born Again Virgin; Josh D. McDowell ,Why True Love Waits; Josh McDowell and Bob Hostetler, counseling youth.

نمی‌شوند و در مقابل توقع نسل گذشته که از آنها انتظار دارند که جاذبه‌های جنسی خویش را به نمایش بگذارند تمکین نمی‌کنند. ایشان تاکید می‌کنند که لباس عقیفانه و پوشیده باعث جدی گرفته شدن شخصیت زنان و رهایی آنان است. (شلیت، ۱۳۸۹: ۱۰۶ - ۱۰۵ و ۱۰۹)

گرایش روزافزون دختران و زنان به عفاف و پوشش از مواردی است که مورد استناد حامیان این دیدگاه قرار می‌گیرد. در مستندی به نام یک انقلاب عقیف^۱ که در سال ۲۰۰۶ توسط دنیس مارتین ریچارد^۲ و همکارانش ساخته شد به مسئله نفرت بسیاری از زنان و دختران از برهنگی و پوشش‌های رایج پرداخته شده است. برگزاری نمایشگاه‌هایی برای عرضه لباس‌های پوشیده از ۱۹۹۹ در آمریکا و ارسال شکایات زیادی به مسئولین فروشگاه‌های لباس زنانه از اقداماتی است که مورد استناد حامیان حق پوشیدگی زنان قرار می‌گیرد. (همان: ۱۶۱ - ۱۶۰)

در سال ۲۰۰۵ کارگروه بررسی «ایجاد کردن دیدگاه جنسی در مورد دختران» به پیشنهاد کمیته زنان در روان‌شناسی (CWP) توسط سازمان روان‌شناسی آمریکا (APA) تشکیل شد. این کارگروه به بررسی «عوامل ایجاد دیدگاه جنسی در دختران از سنین کودکی» پرداخت. تبعات چنین دیدگاهی، تلقی فرد از خود به عنوان شیء جنسی است. ارزش‌گذاری جسمی و حذف مؤلفه‌های انسانی شخصیت دختران از دیگر پیامدهای آن است. بنابر تحقیقات این کارگروه دانشگاهی، جامعه آمریکایی دیدگاه جنسی درباره دختران تولید می‌کند که اثرات مخرب شخصیتی و روانی دارد. تبلیغ لباس‌های بدن‌نما، لوازم آرایشی برای دختران کم سن و سال و تشویق آنها به نشان دادن زیبایی‌های جسمی‌شان موجب ایجاد دیدگاه جنسیتی از کودکی در فرد می‌شود. کارگروه یاد شده، در سال ۲۰۰۷ با انتشار کتابی به وضعیت پوشش و تبلیغات مخرب آن در آمریکا انتقاد کرد. (جمعی از محققان سازمان روان‌شناسی آمریکا، ۱۳۸۸: ۱۵۰ - ۲۰)

به رسمیت شناخته نشدن میل شخصی افراد در گزینش نحوه زندگی شخصی، خود از جمله حقوق مسلم فرد است که در شرایط ایجاد شده از دست می‌رود و نادیده انگاشته می‌شود.

دو. عفاف و حجاب در رفتار ارتباطی برون شخصی
مسئله مورد بحث در این بخش سازگاری و یا ناسازگاری رعایت عفاف و حجاب با حقوق دیگر شهروندان است. در رفتارهای ارتباطی برون شخصی، رفتارهای فرد با دیگر افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در اینجا به مواردی که حاکی از تضييع حقوق شهروندان با عدم رعایت عفاف و حجاب است پرداخته می‌شود.

1. A Modest Revolution.
2. Dennis Martin Richards.

۱. مشکلات اقتصادی، عاطفی و روان‌شناختی کودکان^۱

اکثر کودکانی که از مادران نوجوان متولد می‌شوند، به صورت تک‌والدی بزرگ شده و اغلب از حضور فیزیکی و عاطفی پدر محرومند. بنابر گزارش‌های مرکز آمار آمریکا،^۲ ۵۵ درصد از کودکان شهر دیترویت، ۵۳ درصد از کودکان واشنگتن دی‌سی و ۴۹ درصد از کودکان آتلانتا، به صورت تک‌والدی زندگی می‌کنند؛ ۹۰ درصد از این کودکان، در خانه‌ای بدون پدر زندگی می‌کنند و در نتیجه عموماً با مشکلات مالی عدیده‌ای روبرو می‌شوند.

ویلیام گالستون^۳ در کتاب یک سیاست خانوادگی مترقی برای دهه ۱۹۹۰^۴ می‌نویسد:

پیامدهای اقتصادی نبود یکی از والدین در خانه، اغلب با پیامدهای روان‌شناختی نیز همراه می‌شود؛ نرخ خودکشی بالاتر از حد متوسط جامعه، عملکرد فکری و تحصیلی ضعیف، نرخ بالای امراض روحی، خشونت و استفاده از مواد مخدر، از جمله این پیامدهاست.

کودکانی که در این خانواده‌ها رشد می‌کنند، دو‌الی سه بار کمتر از سایرین احتمال دارد که از سوی معلمان، دانشجوی نمونه شناخته شوند و در عوض ۵۰ درصد بیش از سایرین، با احتمال مردودی مواجه‌اند. پسرانی که از مادری نوجوان و خارج از دایره ازدواج متولد شده‌اند، تا سن بیست و هفت سالگی، به طور متوسط ۱۱ سال تحصیلات انجام می‌دهند و در قیاس با پسرانی که مادرشان در اوایل دهه بیست زندگی، و در روابطی سنجیده تر آنها را به دنیا آورده، ۲/۷ برابر بیشتر احتمال به زندان افتادن دارند.^۵

۲. چرخه زاد و ولد نوجوانان

تحقیقات نشان می‌دهند که مادران نوجوان، مادران نوجوانی بیشتری را تحویل اجتماع می‌دهند. بر مبنای تحقیقات بنیاد خیریه رابین هود نیویورک، دخترانی که از مادران نوجوان متولد شده‌اند، در قیاس با دخترانی که مادرانشان در هنگام تولد آنها، بیش از بیست سال سن داشته‌اند، ۸۳ درصد بیشتر احتمال دارد که در سنین نوجوانی، مادر شوند. اگر این دختران، در سنین نوجوانی صاحب فرزند نشوند، باز هم ۵۰

۱. آمارها در این بخش برگرفته از کتاب "Why true love waits?"، نوشته جاش مکداول از فعالین خویشترنداری جنسی در آمریکا است.

2. US Bureau of Census.

3. William Galston.

4. A Progressive Family Policy for the 1990's.

۵. تاکید آمارها بر نوجوانان به علت بارزتر بودن آسیب‌ها در این سنین است. نوجوانان به علت کمبود تجربه اجتماعی و اطلاعات لازم، بیشتر تحت تاثیر محیط و فرهنگ قرار می‌گیرند.

6. Robin Hood Foundation.

درصد بیش از سایرین احتمال دارد که در نقطه‌ای از زندگی خود، خارج از ازدواج، باردار شده و فرزندى به دنیا آورند. کودکانى که خارج از رابطه ازدواج، به دنیا مى‌آیند، اغلب از همان بدو تولد با مشکلات عمده‌ای مواجه هستند.

۳. افزایش کشتار جنین

مواردی که در شماره قبل بیان شد معضلات و آسیب‌هایی است که فرد و اطرافیان بر اثر به دنیا آمدن طفلی خارج از ازدواج، باید متحمل شوند. اما نرخ سقط جنین در بارداری‌های ناخواسته، بسیار بالاتر از به دنیا آمدن نوزادان است. بیشتر دختران ترجیح می‌دهند تا جنین ناخواسته خود را از بین ببرند تا با مشکلات آینده وی مواجه نباشند.

تعداد سقط جنین‌های انجام شده در غرب و نیز درصد دختران جوان ۱۵ تا ۱۹ ساله‌ای که رابطه جنسی پیش از ازدواج را تجربه کرده‌اند، به طور کلی یک روند صعودی (با کمی استثنا) را طی نموده است. یک نوجوان آمریکایی، دو برابر همتای انگلیسی خود احتمال دارد که سقط جنین را تجربه نماید. شایان ذکر است که در بین کشورهای صنعتی، انگلستان بعد از آمریکا در رده دوم سقط جنین قرار دارد. نوجوانان آمریکایی، ۱۳ برابر نوجوانان ژاپنی، با احتمال تجربه نمودن سقط جنین، مواجه هستند. جدول زیر سقط جنین‌های انجام شده در سال‌های مختلف را نشان می‌دهد.

تعداد سقط جنین‌های انجام شده در سال	
سال	تعداد سقط جنین
۱۹۷۲	۵۸۶۷۶۰
۱۹۷۳	۶۱۸۸۳۱
۱۹۷۴	۷۶۳۴۷۶
۱۹۷۵	۸۵۴۸۵۳
۱۹۷۶	۹۸۸۲۶۷
۱۹۷۷	۱۰۷۹۴۳۰
۱۹۷۸	۱۱۵۷۷۷۶
۱۹۷۹	۱۲۵۱۲۹۱
۱۹۸۰	۱۲۹۷۶۰۶
۱۹۸۱	۱۳۰۰۷۶۰
۱۹۸۲	۱۳۰۳۹۸۰
۱۹۸۳	۱۲۶۸۹۸۷
۱۹۸۴	۱۳۳۳۵۲۱
۱۹۸۵	۱۳۲۸۵۷۰

تعداد سقط جنین‌های انجام شده در سال	
۱۳۲۸۱۱۲	۱۹۸۶
۱۳۵۳۶۷۱	۱۹۸۷
۱۳۷۱۲۸۶	۱۹۸۸
۱۳۹۶۶۵۸	۱۹۸۹
۱۴۲۹۵۷۷	۱۹۹۰
۱۳۸۸۹۳۷	۱۹۹۱
۱۳۵۹۱۴۵	۱۹۹۲
۱۳۳۰۴۱۴	۱۹۹۳
۱۲۶۷۴۱۵	۱۹۹۴
۱۲۱۰۸۸۳	۱۹۹۵

۴. تحمیل هزینه برای دیگر شهروندان

از جمله استدلال‌هایی که در پی آن برهنگی و بی‌عفتی به عنوان رویکردی در جهت احقاق حقوق شخصی افراد لحاظ شد، بحث خصوصی بودن تصمیم‌سازی افراد در حوزه مسائل جنسی‌شان بود. این مسئله هرچند در بسیاری از ابعاد، خصوصی به نظر می‌رسد و به نظر و رأی فرد بستگی دارد، اما منتقدین لیبرالیسم جنسی با استناد به هزینه‌هایی که تبعات انتخاب‌ها و تصمیم‌های افراد برای کل جامعه در بردارد، منکر شخصی بودن این مسائل هستند. ایشان پرداخت مالیات توسط تک تک شهروندان را سند محق بودن آحاد افراد در چگونگی مصرف مالیات می‌دانند. مصرف مالیات برای عواقبی که تصمیم یک فرد به همراه داشته به معنای شریک‌بودن تمام افراد در تصمیمی است که تا کنون شخصی قلمداد شده است. موارد زیر از مصادیقی است که افراد جامعه در پرداخت آن سهیم هستند:

۱. درمان بیماری‌های مقاربتی حاصل از روابط جنسی بی‌قید و بند در بین نوجوانان؛
 ۲. وضع حمل نوجوانان مجرد در بیمارستان‌های دولتی و با استفاده از امکانات دولتی؛
 ۳. پرداخت کمک‌های دولتی به مادران نوجوان؛
 ۴. مراقبت مؤسسات محلی، ایالتی و یا فدرال از کودکانی که رها شده، مورد بی‌مهری قرار گرفته و یا با برخوردهای فیزیکی مواجه شده‌اند.
- تمامی افرادی که مالیات پرداخت می‌کنند مجبورند برای جبران هزینه‌های ناشی از روابط بی‌قانون جنسی که برهنگی از لوازم و مقدمات آن است، هزینه‌های سنگینی را متقبل شوند.
- وقتی که جامعه مجبور شود هزینه‌های مربوط به بیماری‌های مقاربتی، بارداری و سقط جنین در بین نوجوانان، کمک‌هزینه زندگی مادران جوان و نوجوان و نگهداری کودکان آنها را تقبل نماید، هزینه‌های

ناشی از بی‌عفتی، باری بر دوش تک تک افراد اجتماع، است.

جدول زیر هزینه‌های عمومی دولت آمریکا را برای حل مسائل اجتماعی در سه دهه گذشته نشان می‌دهد. ارقام این جدول، نمایانگر هزینه کل خدمات اجتماعی است که هزینه‌های اجتماعی مربوط به بیماری‌های مقاربتی و بارداری نوجوانان را نیز در برمی‌گیرد.

کل هزینه‌های دولت برای حل مسائل اجتماعی			
هزینه صرف شده (میلیون دلار)	سال	هزینه صرف شده (میلیون دلار)	سال
۱۴۲.۵	۱۹۸۵	۶۰.۰	۱۹۷۱
۱۳۶.۴	۱۹۸۶	۶۱.۸	۱۹۷۲
۱۴۲.۵	۱۹۸۷	۱۰۰.۶	۱۹۷۳
۱۳۹.۷	۱۹۸۸	۱۰۰.۶	۱۹۷۴
۱۳۸.۳	۱۹۸۹	۱۰۰.۶	۱۹۷۵
۱۳۵.۷	۱۹۹۰	۱۰۰.۶	۱۹۷۶
۱۴۴.۳	۱۹۹۱	۱۰۰.۶	۱۹۷۷
۱۵۰.۰	۱۹۹۲	۱۳۵.۰	۱۹۷۸
۱۵۰.۰	۱۹۹۳	۱۳۵.۰	۱۹۷۹
۱۸۰.۹	۱۹۹۴	۱۶۲.۰	۱۹۸۰
۱۹۳.۳	۱۹۹۵	۱۶۱.۰	۱۹۸۱
۱۹۲.۶	۱۹۹۶	۱۲۴.۰	۱۹۸۲
۱۹۸.۵	۱۹۹۷	۱۲۴.۰	۱۹۸۳
۲۰۳.۵	۱۹۹۸	۱۴۰.۰	۱۹۸۴

هزینه مبارزه با بیماری‌های مقاربتی در بین نوجوانان، هر ساله تأثیر قابل توجهی بر میزان مالیات‌های پرداختی و بودجه بخش درمان می‌گذارد. در آمریکا سالانه قریب به ۱۰ میلیارد دلار برای پیشگیری و درمان بیماری‌های مقاربتی مهم، (به‌جز ایدز و HIV) هزینه می‌شود. اگر هزینه‌های صرف شده برای پیشگیری و درمان HIV به هزینه‌های بالا اضافه شود، این رقم به ۱۷ میلیارد دلار افزایش می‌یابد. رقم یادشده، دربرگیرنده هزینه‌های غیرمستقیم مانند طول درمان و باز ماندن افراد از شغلشان، نیست.

از سوی دیگر هزینه زایمان ۶۰ درصد از مادران نوجوانی که برای اولین بار وضع حمل می‌کنند، از

منابع دولتی پرداخت می‌شود. هر دختر نوجوان مجردی که صاحب فرزند می‌شود، به طور متوسط ۱۰۰ هزار دلار برای خدمات پزشکی و کمک‌های رفاهی، برای دولت هزینه دارد. در کشور آمریکا هر مالیات دهنده مبلغ ۲۸۳۱ دلار تنها بابت هر زایمان نوجوانان مجرد پرداخت می‌کند.

وضع حمل نوجوانان، به تنهایی سالانه ۶.۷ میلیارد دلار هزینه به مالیات‌دهندگان تحمیل می‌کند. کمک‌های دولتی و رفاهی و سهمیه غذایی که در اختیار این نوجوانان و فرزندانشان قرار می‌گیرد، ۲.۲ میلیارد دلار برای دولت هزینه دارد. هزینه مراقبت‌های پزشکی اضافه این مادران و نوزادان، ۱.۵ میلیارد دلار است. مجموع هزینه‌های زاد و ولد و سایر هزینه‌هایی که مادران نوجوان به اجتماع تحمیل می‌کنند، به رقمی بین ۱۳ تا ۱۹ میلیارد دلار در سال می‌رسد.

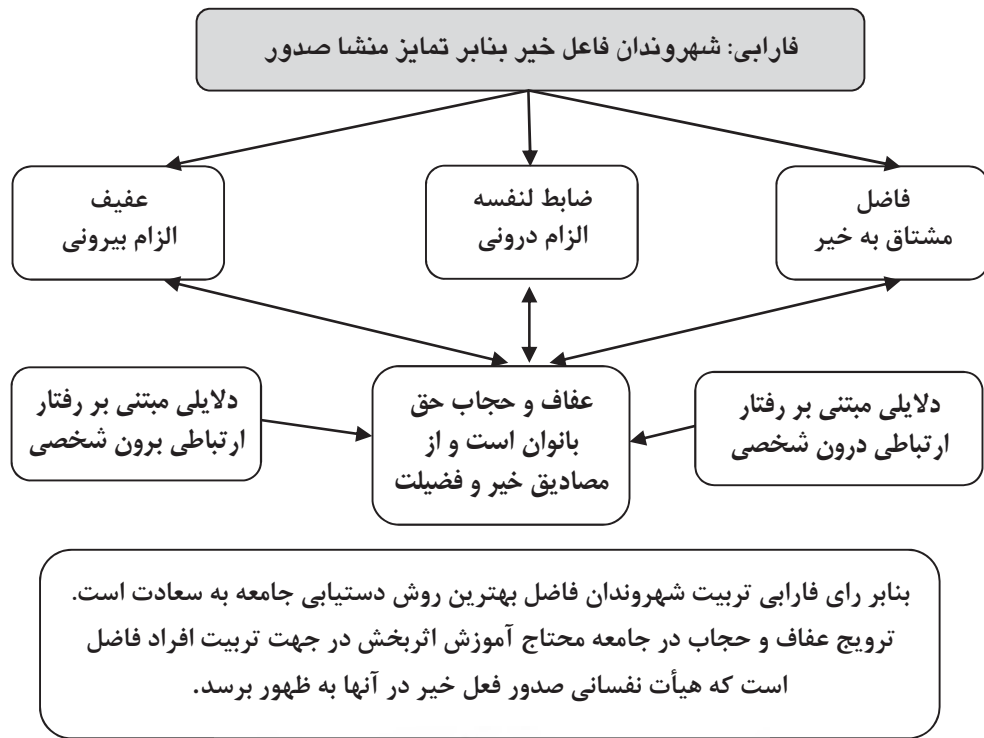
در صورتی که سیاست موفق برای حفظ عفاف در جامعه و کنترل روابط جنسی در پیش گرفته شود، مالیات‌دهندگان از پرداخت مبلغ قابل توجهی معاف خواهند شد. عدم رعایت عفاف در زندگی فردی تزییع حقوق شهروندان دیگر را در پی خواهد داشت.

نتیجه

با ملاک حقوق (با تعریفی که بیان شد)، در دو ساحت درون شخصی و برون شخصی نشان داده شد که التزام به عفاف و حجاب حق افراد است. از آنجا که ملاک خیر بودن، حق بودن لحاظ شده است، لذا التزام به پوشش و حجاب خیر است. خیر آن چیزی است که انجامش موجب رسیدن انسان به سعادت باشد. اگر سنتی مانند آموزه‌های اسلامی ایجاب و الزام این امر را دربر دارد از باب دعوت به خیر و رساندن به سعادت است.

بنابر رأی فارابی تربیت شهروندان فاضل بهترین روش دستیابی جامعه به سعادت است، ترویج عفاف و حجاب در جامعه محتاج آموزش اثربخش در جهت تربیت افراد فاضل است که هیئت نفسانی صدور فعل خیر در آنها به ظهور برسد. قوانین و الزامات کارآمد بیرونی برای قراردادن فرد در مرحله ضابطه لنفسه مفید هستند ولی ماندن افراد در این مرحله می‌تواند زمینه‌ساز اشتباهی باشد که در غرب به‌وقوع پیوست و هزینه‌های زیادی برای ایشان در برداشت و دارد.

تا آن زمان که افراد در رعایت عفاف و پوشش، خود را ملزم و مجبور بدانند، صدور فعل از آنان با سختی و مشقت خواهد بود و هر امری ممکن است انجام ندادن فعل را موجب شود. از آنجا که صدور فعل خیر از سوی افراد فاضل به سهولت و از روی اشتیاق است، تدابیری جهت تربیت خویشان‌داران به فاضلین جامعه گره‌گشا است.



منابع و مأخذ

۱. آرمنتو، جین، ۱۳۸۹، کیفیت مراقبت از بچه‌ها را چگونه تعیین می‌کنیم؟، در مجموعه: چه کسی گهواره را تکان خواهد داد، ترجمه سمانه مدنی، آزاده وجدانی، قم، دفتر نشر معارف.
۲. ارسطو، ۱۳۴۳ ق، علم الاخلاق الی نیقوماخوس، ج ۱، مقدمه و تحقیق بارتلمی سانتهلیر، قاهره، دار صادر.
۳. بهمنیار بن مرزبان، ۱۳۷۵، التحصیل، تصحیح مرتضی مطهری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. جمعی از محققان سازمان روان‌شناسی آمریکا، ۱۳۸۸، تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب، ترجمه و تلخیص فاطمه سادات رضوی، قم، دفتر نشر معارف.
۵. زینس میستر، کارل، ۱۳۸۹، بزرگ کردن کودکان در این دوران پردردسر، در مجموعه: چه کسی گهواره را تکان خواهد داد، ترجمه سمانه مدنی و آزاده وجدانی، قم، دفتر نشر معارف.
۶. شلیت، وندی، ۱۳۸۹، دختران به عفاف روی می‌آورند، ترجمه و تلخیص سمانه مدنی، پریسا پورعلمداری، قم، دفتر نشر معارف.

۷. فارابی، ابونصر، ۱۹۹۶ م، *سیاسة المدتیة*، مقدمه و شرح دکتر علی بوملحم، بیروت، مکتبه الهلال.
۸. _____، ۱۴۰۵ ق، *فصول منتزعه*، تحقیق و تصحیح دکتر فوزی نجار، تهران، المکتبه الزهراء.
۹. _____، ۱۳۶۷، *فصول منتزعه*، ترجمه و شرح دکتر حسن ملکشاهی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. فریدمن، جین، ۱۳۸۳، *فمنیسم*، مترجم فیروز مهاجری، تهران، آشیان.
۱۱. قراملکی، فرامرز، احد، ۱۳۸۹، *اخلاق کاربردی در ایران و اسلام*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۲. غزالی، ابوحامد، ۱۴۱۶ ق، *رسائل الامام الغزالی*، بیروت، دار الفکر.
۱۳. لوگری، ابوالعباس، ۱۳۷۳، *بیان الحق بضمان الصدق*، تهران، مؤسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی.
۱۴. مارکل، جوئیس، ۱۳۸۶، *سیاست خویشن‌داری جنسی رهبران آمریکا در بوته نقد*، سیاحت غرب، شماره ۵۴.
۱۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، *مسئله حجاب*، تهران، صدرا.
۱۶. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، ۱۹۸۱ م، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، ج ۹، بیروت، دار احیاء التراث.
۱۷. میشل، آندره، ۱۳۷۶، *پیکار با تبعیض جنسی*، مترجم محمدجعفر پوینده، تهران، نگاه.
۱۸. هام، مگی، ۱۳۸۲، *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه فیروزه مهاجر، نوشین احمدی خراسانی، فرح قره داغی، تهران، نشر توسعه.
19. Keller, Wendy , 1999, *The Cult of the Born - Again Virgin*, Health Communications, Deerfield Beach, Florida.
20. Martin Richards, Dennis, A modest revolution: *today's girls say what they really think!*, Brigham Young University.
21. McDowell, Josh, 2002, *Why True Love Wait*, Tyndale house publishers, carol stream, Illinois.
22. Hostetler, Bob, D. McDowell, josh, counseling youth, 1996, *Word publishing*, Colorado.
23. J.Bennett, William, 1999, *The index of leading cultural indicators American society*, Broadway books, New York.